

نباید اعتراض را به شکل خاصی محدود کرد و خیابان را تنها محمل و زمینه کنشگری اعتراض پنداشت. گذشته از فضای مجازی، حتی فضای واقعی نیز به خیابان محدود نمی شود، بلکه تجمع در فضاهای مسقف و بسته نیز از جمله زمینه ها و شکل های کنشگری اعتراضی است. اگر هدف از اعتراض، دستیابی به مطالبه است، پس باید از حواشی محتمل جلوگیری کرد و اجازه نداد حاشیه بر متن غالب شود.

هدف فقط در بستر «خیابان» محقق نمی شود. گاهی این طور تصور شده که کنش خیابانی اصالت دارد و اگر مطالبه در این بستر جاری نشود، نتیجه ای را در پی نخواهد داشت و فریاد اعتراض شنیده نخواهد شد؛ درحالی که تجمع و راهپیمایی خیابانی در عصر حضور «رسانه های متکثر و پراکنده»، چندان اهمیتی ندارد و این گونه نیست که چنین حضوری همیشه با اثرگذاری حداکثری همراه باشد، چه بسا «کنشگری مجازی و روایتی»، اثر و دامنه بسیار وسیع تری داشته باشد و جریان و جنبش را با هزینه بسیار کمتر، به هدف های خویش برساند. البته سخن این نیست که باید «خیابان» را ترک کرد و به دامن «فضای مجازی» پناه برد و «روایت» را بر «حضور واقعی» ترجیح داد، بلکه غرض این است که باید برای اعتراض، «قالب های دیگر»ی نیز در نظر گرفت و دچار انحصارگرایی و نگاه یک سویه نشد. این امر به خصوص از این جهت مهم است که در جامعه ما، همواره نیروهای ضد ساختار در کمین نشسته اند تا حضور خیابانی را به «اغتشاش» و «آشوب» تبدیل کنند و «حاشیه» بیافرینند؛ از این رو، حضور خیابانی به کنشگری «مخاطره آمیز» و «پرهزینه» تبدیل شده است و به دلیل پدید آمدن حاشیه های گوناگون، اصل مطالبه رنگ باخته است. به هر حال، مسئله این است که نباید اعتراض را به شکل خاصی محدود کرد و خیابان را تنها محمل و زمینه کنشگری اعتراض پنداشت. گذشته از فضای مجازی، حتی فضای واقعی نیز به خیابان محدود نمی شود، بلکه تجمع در فضاهای مسقف نیز از جمله شکل های کنشگری اعتراضی است. اگر هدف از اعتراض، دستیابی به مطالبه است، پس باید از حواشی محتمل جلوگیری کرد و اجازه نداد حاشیه بر متن غالب شود.

۵. اعتراض و حلقه های میانی؛ نیروهای میانجی

جامعه اسلامی، «جامعه توده ای» نیست که فقط در یک سوی آن «امام» نشسته باشد و در سوی دیگر «مردم»، بلکه در میانه این دو، نیروهایی قرار دارند که حرکت تکاملی جامعه اسلامی و دولت اسلامی را تسهیل می کنند و نقش «میانجی» و «پیشران» دارند. پس افزون بر توده مردم، صورتی تشکل یافته از مردم نیز در قالب «نیروهای پیشران» عمل می کنند و این گونه نیست که همه نقش های «هدایتی» و «پیش برندگی» به دولت اسلامی واگذار شده باشد. دولت اسلامی، برآمده از مردم و برخاسته از قاعده مردم سالاری دینی است، اما در کنار دولت، باید «حلقه های میانی» نیز حضور و حیات داشته باشند که میان جامعه و حاکمیت، «میانجیگری» کنند. حلقه های میانی از این جهت «حلقه» هستند که «ساختار» و «انسجام» دارند و بی نظم و بی شکل نیستند و از این جهت میانی هستند که در فضایی قرار گرفته اند که جزو دولت یا جامعه نیست. حلقه های میانی مجموعه هایی هستند که چون در درون قدرت نیستند،